اشتغال زنان در جامعه (2)

مسعود آذربايجانى

اين مقاله از دفتر مطالعات و تحقيقات زنان اخذ شده است.

در قسمت اول مقاله اشتغال زنان در جامعه خوانديد:

سنت‏هاى ريشه دار اجتماعى و دينى، زنان را به سوى حفظ اركان خانواده دعوت مى‏كند، اما هنجارهاى دنياى متجدد (از سوى ديگر) آنان را به حضور هر چه بيشتر در جامعه و همكارى فعال در مراكز اشتغال فرا مى‏خواند. حال چگونه مى‏توان اين دو را با هم جمع كرد؟ و در صورت به خطر افتادن يكى، اولويت با حفظ كدام است؟

نويسنده در ابتداى مقاله، و براى زمينه سازى پاسخ به سؤال‏هاى فوق، مواردى از اصول اسلامى را ذكر نمود؛ كه عبارت بودند از:

الف) تساوى زن و مرد در اصل آفرينش و گوهر اصلى انسانيت (روح)؛

ب) تساوى در وصول به بالاترين مراتب كمال و معنويت؛

ج) مشاركت زنان و مردان در مسؤوليت‏هاى اجتماعى؛

د) استقلال اقتصادى زنان و مردان.

از نظر نويسنده محترم، حضور جدى زنان در اداره امور داخلى خانواده، اولويت داشته و اشتغال زنان در مرتبه دوم قرار دارد. ايشان براى اثبات اين مدعاى خويش، در ضمن موارد ذيل، دلايل خويش را بر مى‏شمرد.

1- تحليل ساختارى خانواده و توجه به تفاوت نقش‏ها

2- تفاوت‏هاى تكوينى زن و مرد

در شماره گذشته، يكى از تفاوت‏هاى تكوينى (تفاوت زيستى) شرح داده شد و اقسام آن مورد بررسى قرار گرفت. در اين شماره، ادامه ادله اين نويسنده را از نظر شما خوانندگان محترم مى‏گذرانيم.

ب) تفاوت‏هاى روانى: تفاوت‏هاى روانى بسيارى ميان زن و مرد وجود دارد كه از نظر علم روان‏شناسى به اثبات رسيده است. اين تفاوت‏ها را نمى‏توان به سادگى، تنها زاييده تربيت و محيط دانست. بديهى است شناخت و توجه به اين تفاوت‏ها، هر يك از دو جنس زن و مرد و به طور كلى بشر را به سوى سعادت هر چه بيشتر رهنمون مى‏سازد. تلقين تحميلى زيست مردانه به زن - چنان كه برخى از فمنيست‏هاى افراطى دنبال مى‏كردند - نابودى انسانيت و هستى وى را در پى دارد، و روان و جسم او را در معرض هلاكت و بى‏هويتى و استعدادهايش را به سمت انحراف و نقصان سوق مى‏دهد. برخى از تمايزات روانى زن و مرد را مى‏توانيم چنين برشماريم:

شكل‏گيرى هويت دختران براى صميميت و در پسران براى استقلال و رقابت و فرديت است.22 از جهت شخصيتى، زنان از مردان حسودتر و كنجكاوترند. اعتماد به نفس كمترى دارند اما پرخاشگرى در مردان بيشتر از زنان است.23 علايق زيبايى شناختى، اجتماعى و دينى زن‏ها بيشتر از مردهاست. مردها بيشتر به جنبه‏هاى سياسى و نظرى علاقه دارند و زن‏ها بيشتر به مسائل اخلاقى تمايل نشان مى‏دهند. زن‏ها با حرارت به بى‏عدالتى اعتراض مى‏كنند و نسبت به آداب و رسوم اجتماعى و ضوابط اخلاقى تلقين پذيرترند.24

بر اساس تحقيقات، مردان بيشتر از زنان به امور مادى و اقتصادى گرايش دارند.25 زن از مرد عاطفى‏تر است و به روابط عاطفى علاقه بيشتر نشان مى‏دهد. احساس محبت در دختران بيش از پسران است، اما مردان بيشتر به ارتباط فعاليت مدار توجه دارند و دنياى بيرون را هدف قرار مى‏دهند و انرژى خود را صرف آن مى‏كنند.26

جنس زن هيجانى‏تر از مرد است و كيفيت هيجان او نيز با مرد فرق مى‏كند. بر اساس تحقيقات، پانزده درصد مردان از فشار روانى رنج مى‏برند، اين رقم در مورد زنان به 21 درصد مى‏رسد.

از نظر واكنش در برابر عوامل فشارزا نيز بين دو جنس تفاوت‏هايى مشاهده مى‏شود.27 وابستگى زن به مرد و استقلال‏خواهى مرد از نظر وضعيت جسمانى يك امر طبيعى است. روان زن به وابستگى گرايش دارد، از تنهايى مى‏ترسد و در ارتباط با ديگران كارآمدتر مى‏شود و از آن سو، مرد استقلال طلب است؛ زمانى كه نيازمندى ديگران را به خود دريابد، احساس توانمندى مى‏كند.28 به طور كلى، مرد برون گرا و زن درون گراست و اين ويژگى از كودكى در جنس زن وجود دارد.29

در ناحيه هيجانات و عواطف، مطابق مطالعات «ترمن و ميلز»30 بر روى صدها نفر، تفاوت‏هاى زير قابل ترديد نيست: تشخص، ستيزه جويى، جسارت، استقامت و پرخاشگرى در بيان احساسات در مردان بيشتر از زنان است. در مقابل، در زنان دلجويى و همدردى بيشتر است و اينان ريزكارتر و از نظر ذوقى حساس‏ترند. مردان به عمليات برجسته، حادثه‏آفرينى، فعاليت در هواى آزاد و كارهاى مستلزم كوشش بدنى تمايل بيشترى دارند و به ماشين، ابزار و داد و ستد بيشتر علاقه مندند. اما زنان كارهاى خانه، اشيا و اعمال ذوقى، دل‏سوزى و مواظبت از كودكان‏و... علاقه دارند.31

ج) تفاوت‏هاى رفتارى اقتصادى: در زمينه تفاوت‏هاى رفتارى، ميان زنان ومردان، مطالعات «مردوك»،32 از دفاتر بايگانى دانشگاه ييل، توزيع فعاليت‏هاى اقتصادى بين زنان و مردان را اين گونه ترسيم مى‏كند:

در 75 درصد از 224 قبيله سراسر دنيا چنين بوده است: مردان به كارهايى مثل گله بانى، صيد ماهى، بريدن درختان، تله‏گذارى، كار در معادن، شكار، جنگ و... مى‏پرداخته‏اند، اما زنان به امورى مانند آسياب دانه‏ها، آب كشى، آشپزى، جمع‏آورى مواد سوختى و محصولات گياهى، دوختن، بافتن لباس، تهيه ظروف سفالى و غير آن‏ها مى‏پرداخته‏اند.33

«مارگارت ميد»،34 با مطالعات مردم‏شناسى خود، برخى از تفاوت‏هاى روانى و رفتارى را زير سؤال مى‏برد و مى‏گويد:

در قبيله «مندوگرها»، مردان و زنان، هر دو افرادى خونخوار و ستيزه جو هستند و بالعكس در قبيله «آراپش»، مرد كامل مردى است ملايم و حساس كه با زن مهربان و حساسى ازدواج كرده است. بنابراين، در اين دو قبيله، هيچ كدام از اختلاف بين زن و مرد استفاده نمى‏كردند. در قبيله «چامبولى» شيوه رفتار زن و مرد درست به عكس شيوه رفتارى است كه در جوامع ما رايج است؛ زن تسلّط جو و بى‏عاطفه است و اداره كارها به عهده اوست؛ مرد با مسؤوليت كمتر و از نظر عاطفى وابسته به زن مى‏باشد.35

تحقيقات «مكوپى و جاكلين» نيز مى‏گويد:

بررسى دقيق بيش از 2000 كتاب و مقاله پژوهشى نشان مى‏دهد كه بسيارى از فرض‏هاى رايج، مبنى بر تفاوت‏هاى جنسيتى بين زن و مرد، افسانه‏اى بيش نيست.36

قبل از همه اين‏ها، «افلاطون» در استدلال‏هاى خود بر نفى تفاوت بين زن و مرد چنين مى‏گويد:

هيچ حرفه اجتماعى نيست كه خاص جنس زن باشد يا مرد. استعداد پرداختن به كارها و فنون گوناگون در مرد و زن برابر است و اين كه از جهت نطفه گذارى و زايمان متفاوتند، موجب تفاوت استعدادها نمى‏شود. پس زنان و مردان بايد از تربيت برابر بهره‏مند بشوند و چون براى مردان تربيت روحى و بدنى را ضرورى شمرديم، پس زنان بايد از هر دو بهره‏مند شوند و فنون جنگ را نيز بياموزند تا از هر حيث با مردان برابر باشند.37

در جمع بندى مجموعه تفاوت‏هاى تكوينى - اعم از زيستى، روانى و رفتارى - ممكن است برخى تفاوت‏ها را ناشى از فرهنگ و تربيت ويژه بدانيم. اما مى‏توان گفت: اولاً، شواهد محدود «مارگارت ميد» در مقابل مطالعات وسيع «مردوك» (75 درصد از 224 قبيله دنيا) نتيجه را چندان تغيير نمى‏دهد. ثانياً، در مورد تفاوت‏هاى بسيار زيستى كه ناشى از ترشحات هورمونى، ساختمان بدنى، مغز و اعصاب و... است و همين‏ها آثار و پيامدهاى روانى نيز دارند، مسأله كاملاً بديهى و روشن است و توصيه افلاطون نيز تحميلى شاق و ناگوار بر طبيعت انسان (= زنان) است.

3. تفاوت‏هاى تشريعى‏

اديان الهى نيز در قالب احكام و تكاليف، بين زنان و مردان تفاوت‏هايى قائل شده‏اند. اين تفاوت‏ها به ويژه در اديان زرتشت، يهود و اسلام قابل مشاهده است. از آن جا كه مخاطبان اين نوشته، تعاليم اسلام را به عنوان چارچوبى ارزشى - اعتقادى براى خود پذيرفته‏اند. برخى از احكام اختصاصى زنان از ديدگاه اسلام كه اين تفاوت‏ها را آشكارتر مى‏كند، بيان مى‏شود:38

1- حجاب يعنى پوشاندن بخشى از بدن مانند موى سر و زينت‏ها بر زن واجب است.39

2- شهادت دو زن معادل شهادت يك مرد است.40

3- سهم ارث زن نصف سهم مرد است.41

4- مرد مى‏تواند تا چهار زن دائمى اختيار كند، ولى زن نمى‏تواند بيش از يك مرد را به همسرى برگزيند. 42

5- ديه زن نصف ديه مرد است.43

6- طلاق به دست مرد است.44

7- برخى مناصب اجتماعى مانند قضاوت، مرجعيت و... اختصاص به مردان دارد.45

8- شركت در جهاد براى زنان واجب نيست.46

9- شركت در مراسم مذهبى عمومى مانند نماز جماعت و جمعه، نماز عيد، تشييع جنازه و... براى زنان واجب نيست.47

10- خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر جايز نيست.48 البته برخى علما، ممنوعيت خروج را در حدى مى‏دانند كه با حقوق زناشويى منافات داشته باشد.

مجموعه احكام فوق و برخى موارد ديگر (بر اساس ديدگاه عدليه كه احكام تشريعى را مبتنى بر مصالح و مفاسد تكوينى مى‏داند)، بر عدم لزوم حضور اجتماعى زنان و عدم حضور وسيع در مسؤوليت‏هاى اجتماعى، تأكيد مى‏نمايد.

نتيجه اين كه تقسيم وظايف و كاركردهاى موجود در منظومه خانواده به صورتى كه مكمل يكديگر باشند، بر اساس تفاوت‏هاى تكوينى اعضاى اين سازمان (زن و شوهر) و بر اساس قانونمندى‏ها و هنجارهايى رقم مى‏خورد كه مبتنى بر تفاوت‏هاى تشريعى متخذ از تعاليم اسلام است و همين‏ها در حقيقت، الگوهاى مراوده‏اى را تعيين مى‏كنند.

4. اداره مالى خانواده

از ديدگاه تعاليم اسلام، اداره مالى خانواده، به طور كلى، به عهده مرد است:

1. در قرآن كريم آمده است:

«الرّجال قوّامُون على النِّساء بِما فَضَّل اللّهُ بَعضُهم عَلى بَعضٍ و بِما اَنفَقُوا مِن أموالِهِم فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلغَيبِ بِما حَفِظَ اللّهُ...»49

مردان سرپرست زنانند به دليل آن كه خدا برخى از ايشان را بر عده‏اى ديگر برترى داده و نيز به دليل آن كه از اموالشان خرج مى‏كنند. پس زنان شايسته، فرمانبردار (همسرانند) و به پاس آن چه خدا براى آنان حفظ كرده، اسرار (شوهران خود) را حفظ مى‏كنند.

2. نفقه زن در ازدواج دائمى بر عهده مرد است. منظور از نفقه، مسكن، لباس، غذا، اثاث خانه و ساير مواردى است كه به طور متعارف با وضعيت زن متناسب باشد.50

3. مهر يا صداق (كابين) زن بر عهده مرد است و زن بر اثر ازدواج، مالك آن مى‏شود و مى‏تواند آن را از همسر خود مطالبه كند.51

4. تفاوت احكام مالى زنان و مردان در مورد ارث، ديه و غير آن‏ها نيز متناسب با همين وظيفه و مسؤوليت مرد تنظيم شده است.52

بنابراين بخش از استدلال نيز، از ديدگاه تعاليم اقتصادى - اجتماعى اسلام، اشتغال زنان به عنوان منبع درآمد براى خانواده توصيه نشده، بلكه به عهده مردان است.

ادامه دارد...

پى‏نوشت‏ها:

22- ژانت، روانشناسى زنان، ص 40-39.

23- روانشناسى كودك از ديدگاه معاصر، ج 2، ص 423.

24- روان‏شناسى تفاوت‏هاى فردى، ص 211 و 210.

25- همان، ص 423.

26- روان‏شناسى اختلافى زن و مرد، ص 92.

27- روان‏شناسى رشد: مفاهيم بنيادى در روان‏شناسى كودك، ص 45.

28- روان‏شناسى رشد كودك از ديدگاه معاصر، ج 2، ص 191.

29- روان‏شناسى نوجوانى، ص 134.

30.Termen, 1. M. and miles,c.c.

31- روان‏شناسى اجتماعى، ج 1، ص 316، بسيارى از مطالعات و تحقيقات ميدانى داخلى نيز نتايج فوق را به طور اجمالى تأييد مى‏كند؛ از جمله ر.ك: محمد بشيرى، «بررسى ويژگى‏هاى شخصيتى طلاب و دانشجويان» (پايان نامه كارشناسى ارشد روان‏شناسى بالينى، مؤسسه پژوهشى امام خمينى، 1379) و مسعود آذربايجانى، آزمون جهت‏گيرى مذهبى با تكيه بر اسلام (پژوهشكده حوزه و دانشگاه).

32. murdock

33- روان‏شناسى اجتماعى، ص 322.

34. Mead,m.

35- همان، ص 323.

36- زمينه روان‏شناسى، ج 1، ص 164.

37- كتاب جمهورى افلاطون (كتاب پنجم)، ص 450.

38- ر.ك: بحارالانوار، ج 103، باب جوامع احكام النساء و نوادرها.

39- نور/ 31 و احزاب / 59.

40- بقره / 282.

41- نساء/ 11 و 12 و 176.

42- همان/ 3.

43- وسائل الشيعه، ج 19، كتاب الديات، باب 5.

44- همان، ج 15، كتاب الطلاق، باب 42.

45- همان، ج 18، ابواب صفات القاضى، باب 2.

46- همان، ج 11، ابواب جهاد العدو، باب 4.

47- همان، ج 5، ابواب صلاة الجمعه، باب 1.

48- همان، ج 14، ابواب مقدمات النكاح، باب 79.

49- نساء/ 34 و ر.ك: الميزان، ج 4، ص 367- 365.

50- وسائل‏الشيعه، ج 15، ابواب النفقات، باب 2و1.

51- همان، ابواب المهور.

52- ر.ك: مرتضى مطهرى، نظام حقوق زن در اسلام، ص 286 و 285.